

"رابطه ی میان زبان و تفکر"

پیشرفت بشر در تمام زمینه ها، از علمی گرفته تا صنعتی و اجتماعی ، ریشه در تفکر دارد. انسان ها به خاطر قوه تفکر است که به نیازهایشان توجه می کنند و با کمک همین تفکر نیازهایشان را رفع می کنند.

بدون شک، یکی از عوامل موثر در تفکر ، زبان است. اما ، این بدین معنا نیست که زبان لازمه تفکر است چراکه حتی انسانهایی که دچار ضایعه مغزی شده اند و نمی توانند سخن بگویند باز هم می توانند فکر کنند.

پس آیا می توان گفت که رابطه چندان بی بین زبان و تفکر برقرار نمی باشد؟

به نظر نمی رسد این نتیجه گیری صحیح باشد. به عنوان مثال اگر یک کودک را در نظر بگیریم قطعاً از نظر زبانی دایره لغات محدودی دارد و به همین میزان هم قدرت فهم کمتری از زبان خواهد داشت و هر چه رشد می کند و بر دایره لغاتش افزوده می شود میزان درکش از محیط بیشتر می شود و می تواند بیشتر به تفکر درباره مسائل مختلف بپردازد.

بنابراین اگر بخواهیم در خصوص رابطه زبان و تفکر سخن بگوییم باید بپذیریم که این دو رابطه موثر و مستقیمی بر روی هم دارند. هرچند که تفکر بدون زبان هم امکان پذیر است.

سینا امامی

مقوله ی زبان اساساً یک دنیایی از مطالب و عناوین است و در واقع این تفکر است که بر روی زبان تأثیر می - گذارد؛ یعنی زبان تبلور یک فکر و نوع نگرش نسبت به یک موضوع است، بنابراین دانستن اینکه یک ذهن آرام و خلاق و باز چه مقدار و چگونه می تواند بر نوع گویش و بیان ما در تعاملات اجتماعی اثر بگذارد، لازم است. زبانی که مردم با آن صحبت می کنند نتیجه ی چینش یکسری کلمات در ذهن آنهاست و در واقع زبان فیزیکی تنها پلی میان ذهن و دنیای بیرون است که ارتباط میان این دو را برقرار می کند. یک ذهن خوب سعی می کند ابتدا موقعیت را خوب بشناسد و سپس با توجه به موقعیت کلمات مناسب و جمله های متناسب را با لحنی خوب در درون خود ترسیم کند و بعد لب به سخن بگشاید. اگر قرار بود تفکر بر روی زبان تأثیر نگذارد که زبان خود می - بایست یک روندی را طی می کرد و دیگر زبان های مختلف، لحن های مختلف و لهجه های مختلف معنایی نداشتند

پس یکسری انسان‌ها آن‌طور که از زبان در ذهن خود تصویری داشتند حرف زده‌اند و بعدها در نسل‌های آنان نیز آن تصویر ذهنی رسم شده است. پس تفکر خالق زبان بوده و شیرینی زبان‌های مختلف به این است که نوع دید انسان‌های متفاوت با فکرهای نو را نشان می‌دهد.

مهدی نکونام ۱۱۰

زبان فکری است که در قالب واژگان و ساختار، در موقعیتی خاص، لباس خط و یا صوت به تن کرده است و قصد صاحب فکر را افشا می‌کند. زبان تراوش فکر است که نیاز به محرکی دارد تا در بستر مناسب، رشد و تکامل خود را آغاز نماید.

افلاطون معتقد بود هنگام تفکر، روح انسان با خودش حرف می‌زند. در حقیقت، این حرف خیلی هم بی‌ربط نیست؛ زیرا هنگام تفکر، افکار در ذهن به کلمات تبدیل می‌شوند و گویی تفکر بدون زبان، معنا ندارد.

داریوش کرمی ۱۰۹

موضوع انشا: رابطه بین زبان و تفکر

همه انسان‌ها برای اینکه بتوانند با بقیه ارتباط برقرار کنند و یا مطلبی را بگویند به زبان نیاز دارند؛ اما به غیر از آن دو، هرکس برای تفکر به زبان نیاز دارد چون زبان در اصل به وجودآورنده فکر و نیاز اولیه آن‌ها می‌باشد و شیوه تفکر را تعیین می‌کند. همه این دلایل، اثباتی برای رابطه نزدیک زبان و تفکر بودند که به خوبی نشان دادند طرز تفکر هرکس زبان آن شخص را نشان می‌دهد.

به نظر من هر چه زبان پیچیده تر باشد طرز تفکر، بیان و برقراری ارتباط ما با دیگران پیچیده تر است چون زبان به وجودآورنده آن هاست و هرچه شما پیچیده تر فکر کنید یعنی زبان پیچیده ای دارید.

از طرف دیگر زبان پیشرفته یعنی بیان و تفکر ساده چون هرچه شما ابزارهای بیشتری برای حل یک مساله داشته باشید، از ابزارهای کمتری استفاده می‌کنید و این قضیه در مورد زبان و طرز تفکر هم صحت دارد و هرچه ابزارهای بیشتری برای تفکر در زبان داشته باشیم راحت تر فکر می‌کنیم و ساده ترین تفکر را می‌سازیم.

گسترش زبان یعنی گسترش علم چون اگر به زندگی انسان های اولیّه نگاهی بیندازیم؛ می بینیم که از سطح تفکر پایینی به خاطر دامنه کوچک زبان خود برخوردارند و در عوض هرچه جلوتر می آییم به علت گسترش زبان، تفکر بهتر و گسترش علم را مشاهده می کنید.

نویسنده: رادین امیری ۱۰۹